



Translate Luna
Clean Luna
Type Noma



T.me/IriSekai



instagram.com/IrisSekai

مهم تر از اون...
یه لحظه بهم گوش
می‌دی؟

?

Iris
& Sekai
T.me/
IrisSekai



حتی دیاشه داره
به خاطر رهبری اون آدما
مثل یه بزرگسال رفتار
می کنه...

می خوای
رینو رو ببینی،
درسته؟

فکر می‌کنم ما
خانوما بتونیم یه راهی
پیدا کنیم.





I Choose
the Emperor
Ending

یه راهی برای
دیدن ریئو هست؟



واقعا؟

آره، واقعا.

نچیپ زاده ها تمایل
دارن تا به دلایل موجه یا
رفتارهای از پیش تعیین
شده فکر کنن، اما...



...خدمتکارها
روشای خودشون
رو پرای انجام
کارا دارن!

و زن‌ها هم
روشای خودشون
رو!



PU

PUNG



Iris
Sekai
T.me/
IriSekai

انگار یه کوچولو
کمک می‌خوای...



ی، یه نفر!
لطفا کمک کنین!
یه نفر جز شما!

بزار ببینم...
چند ماهه بارداری؟

ASUS

TAR



حدودا چهار ماه و
نیم شده، هوم...؟ انگار
هر روز شکمت داره بزرگ
و بزرگتر می شه.



آه، آه...!

لطفاً، یہ راز نگہش
دارین! التماستون
می کنم!

Iris
Sekai
T.me/
IriSekai

KWAG!



اونا گفتن
برای تهموم کردنش
خیلی دیر شده.

اگه اعلی حضرت
بفهمه، فوراً بیرونم
می کنن! و بعد نمی تونم
شوهر کنم...!

نگران نباش.
ما اومدیم کمکت
کنیم.



مامان بزرگم قابله
بوده. در اصل از اون یاد
گرفتم.

Shhh ...

!

ما می‌خواهیم
کمکت کنیم!



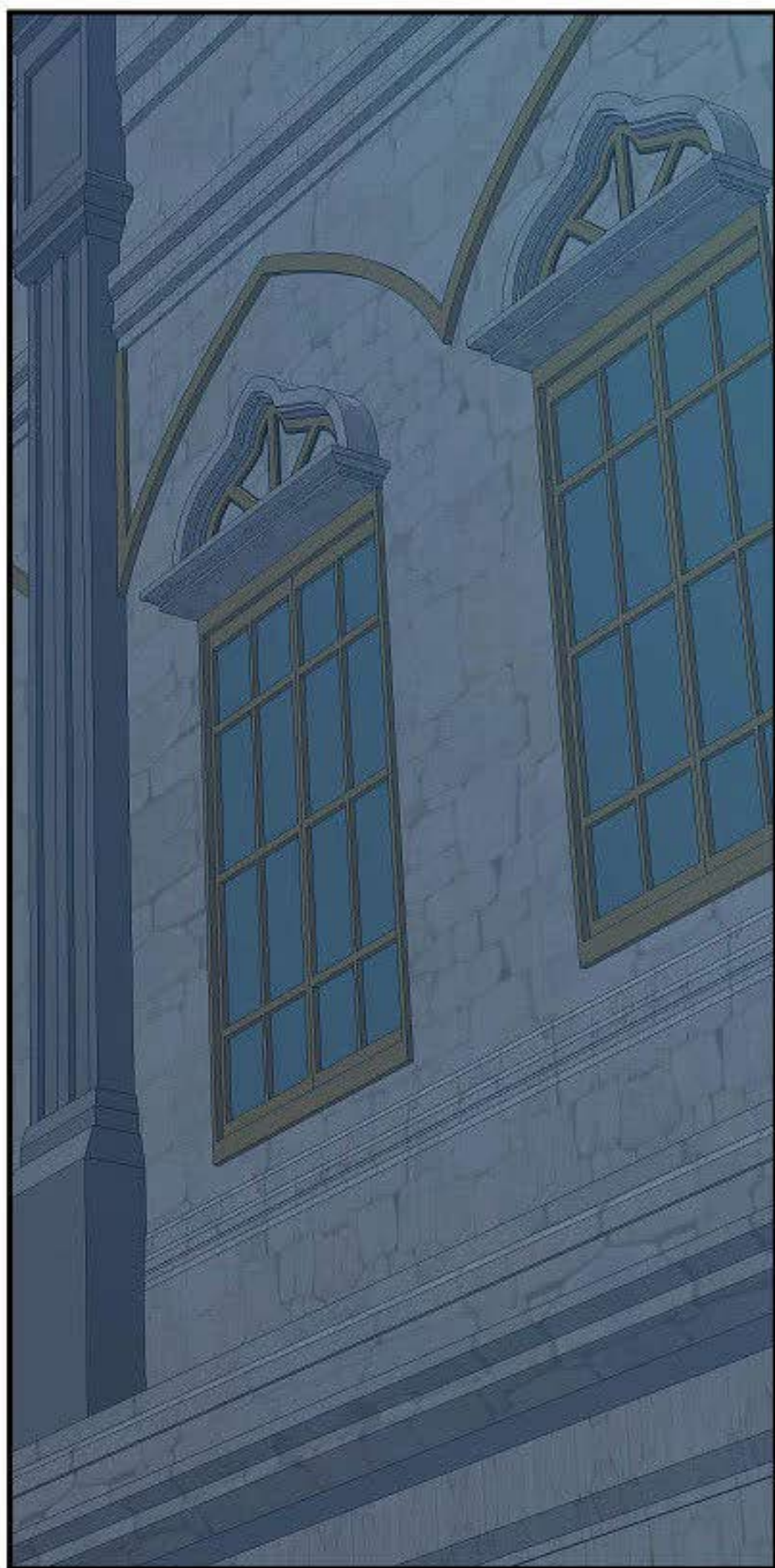


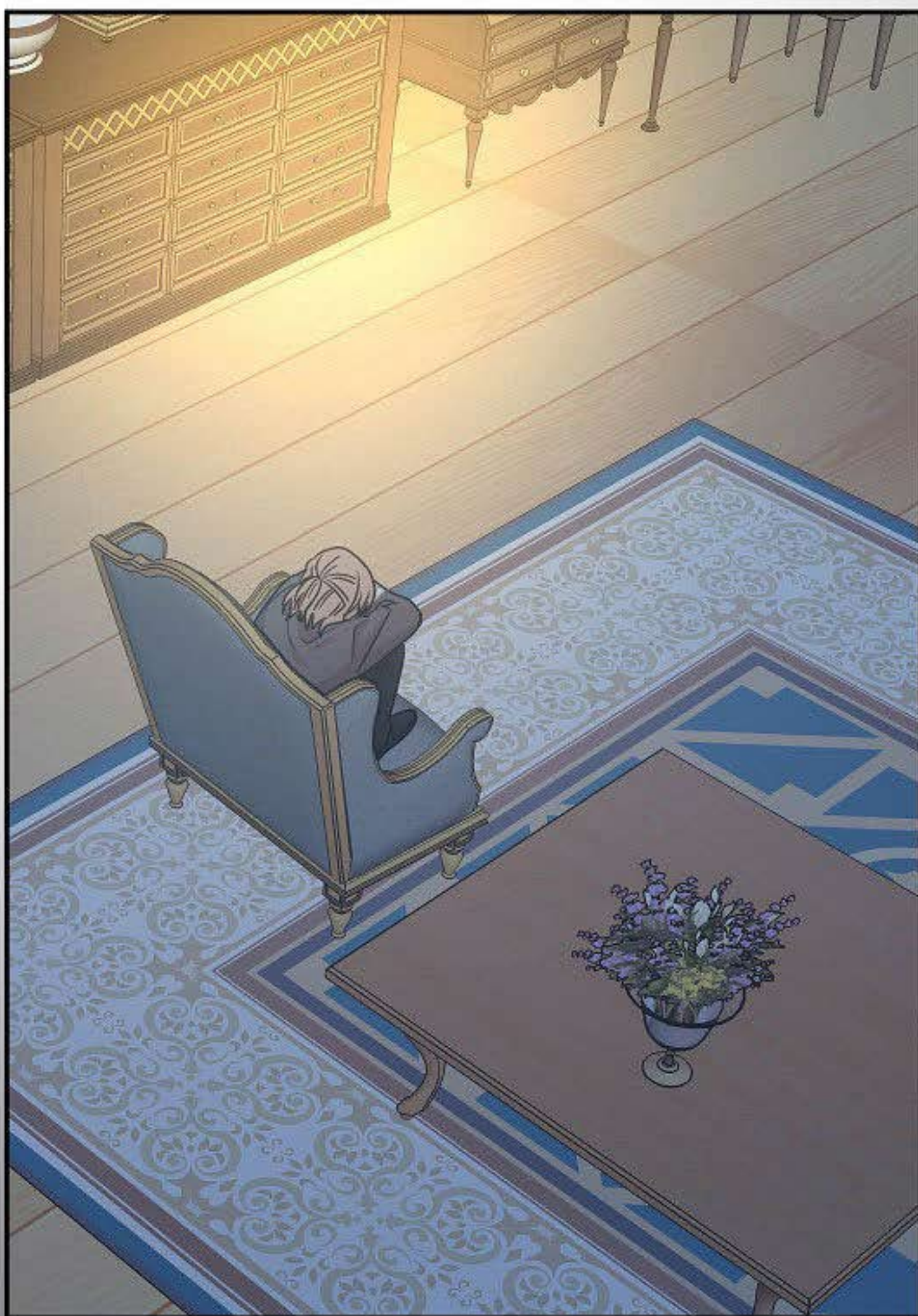
بهمون اعتماد
کن و پسپزش به ما،
لرد ادوارد.



و در عوض...

مهم نیست تو
کجا باشی، همیشه زن‌هایی
هستن که به کمک زن‌های
دیگه نیاز دارن!





ادوارد...

چلوی
چشم‌ام بود...

Iris
Sekai
T.me/
IriSekai



Goteo
Goteo

تکنسین، وقت
شست و شو عه.



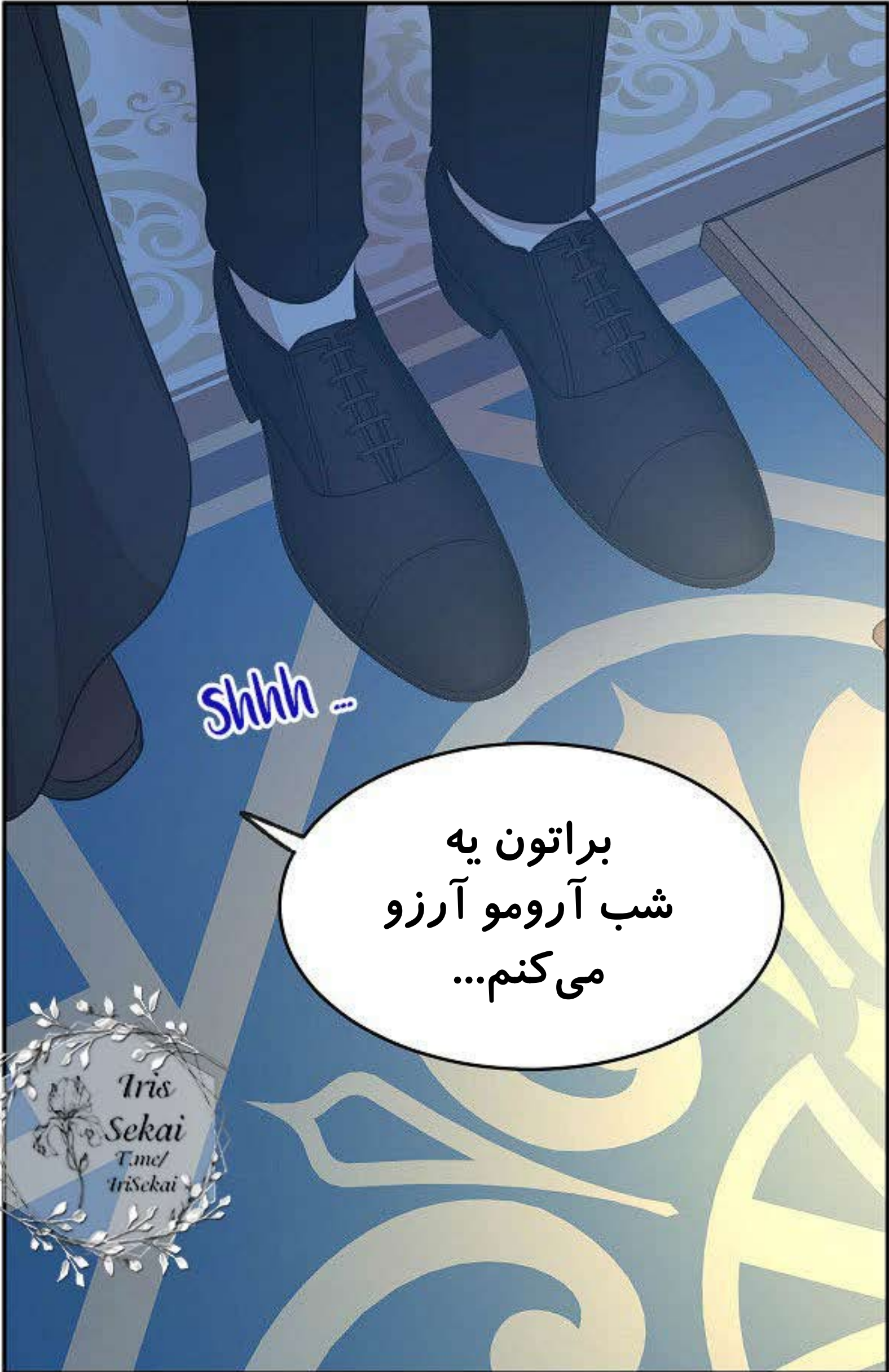
يا بيرون.





شما برین. خودم
انجامش می‌دم.

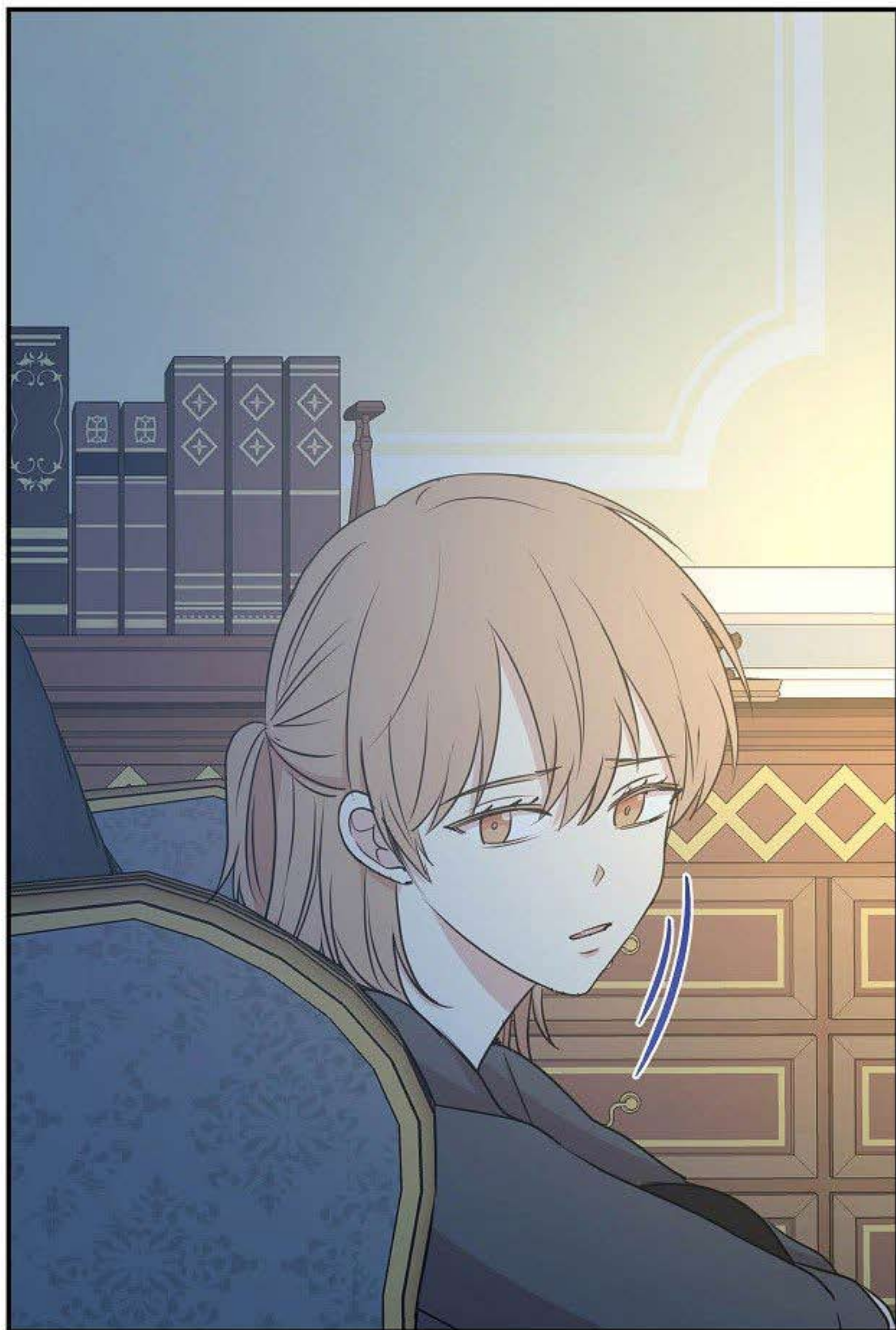
بله، تکنسین.



Shhh ...

براتون یه
شب آرومو آرزو
می کنم...



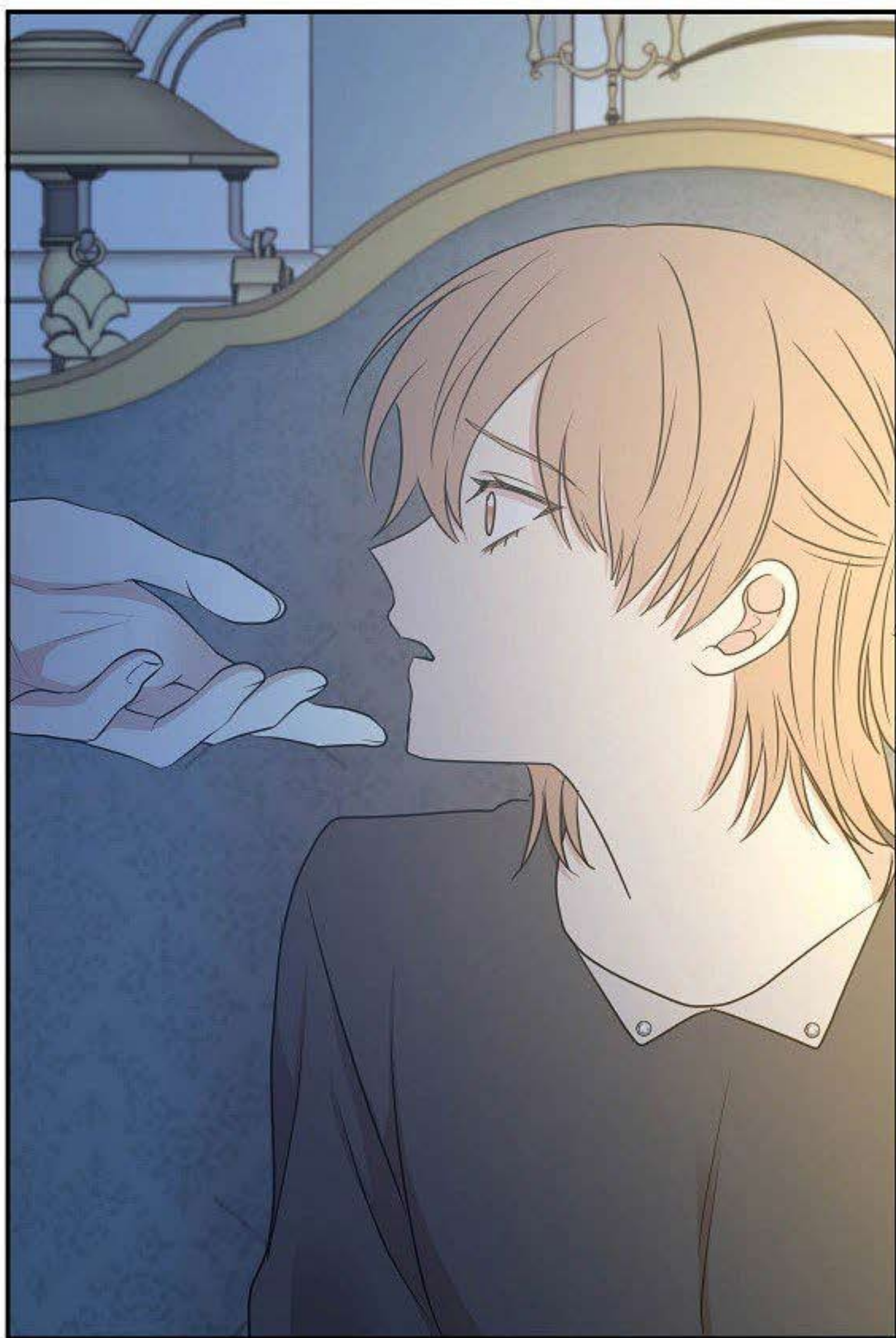






... فين ...

*Iris
Sekai
T.me/
IriSekai*

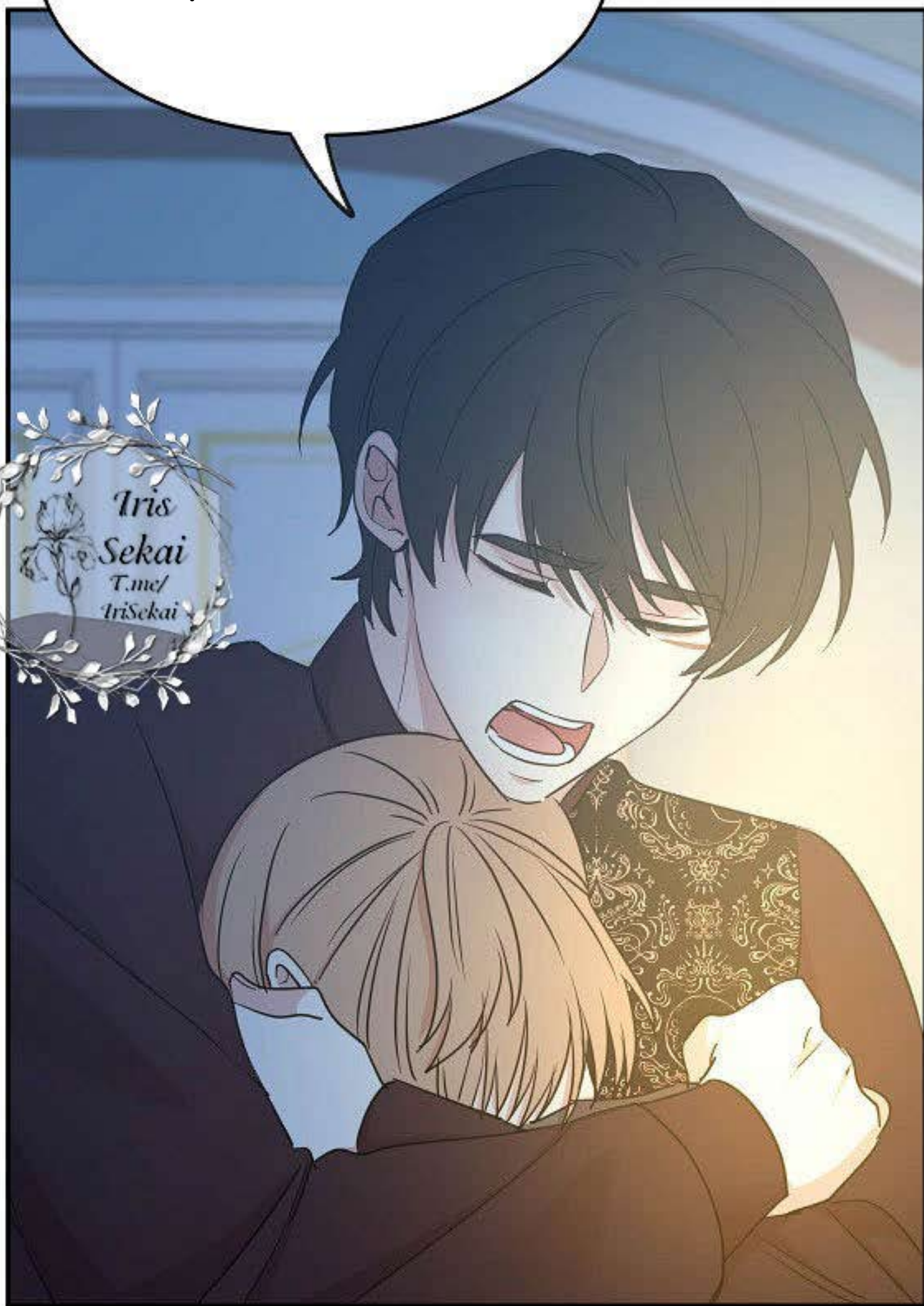




متاسفم، رینا.



خیلی دیر کردم...!









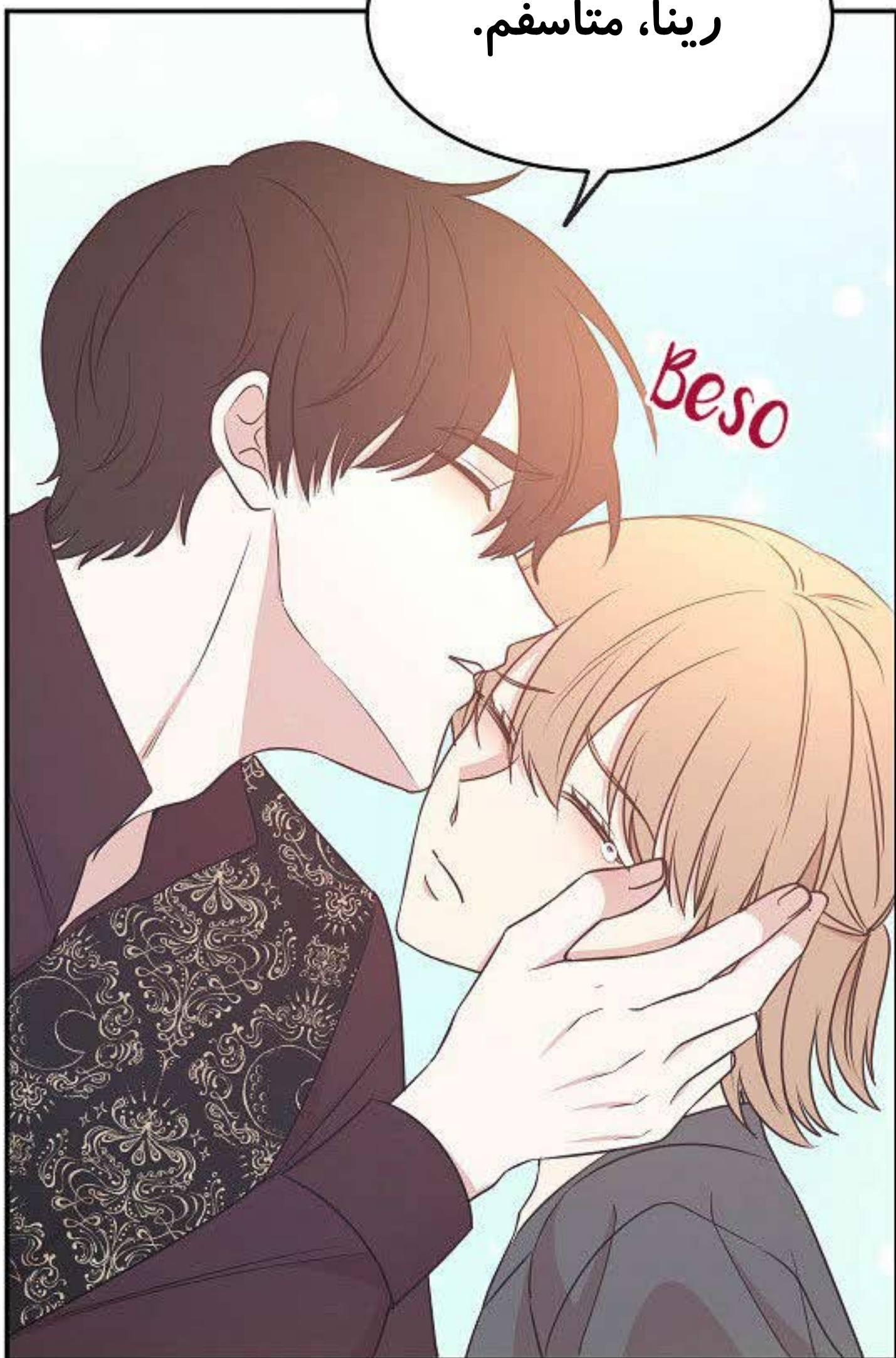
رينا.

*Iris
Sekai
T.me/
IrisSekai*



رینا، متاسفم.

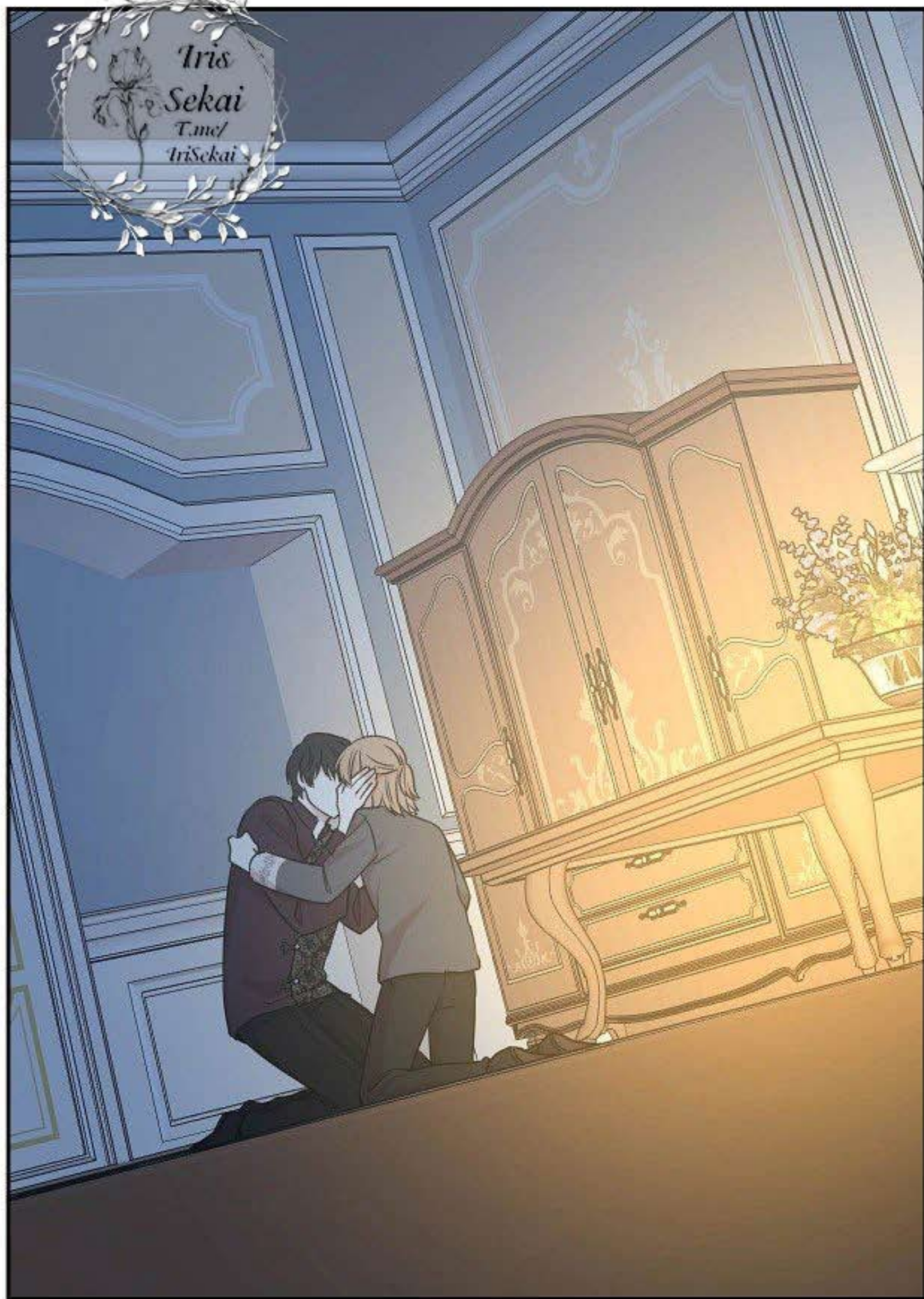
Beso



خیلی دیر کردم.

فین، آ، آره.





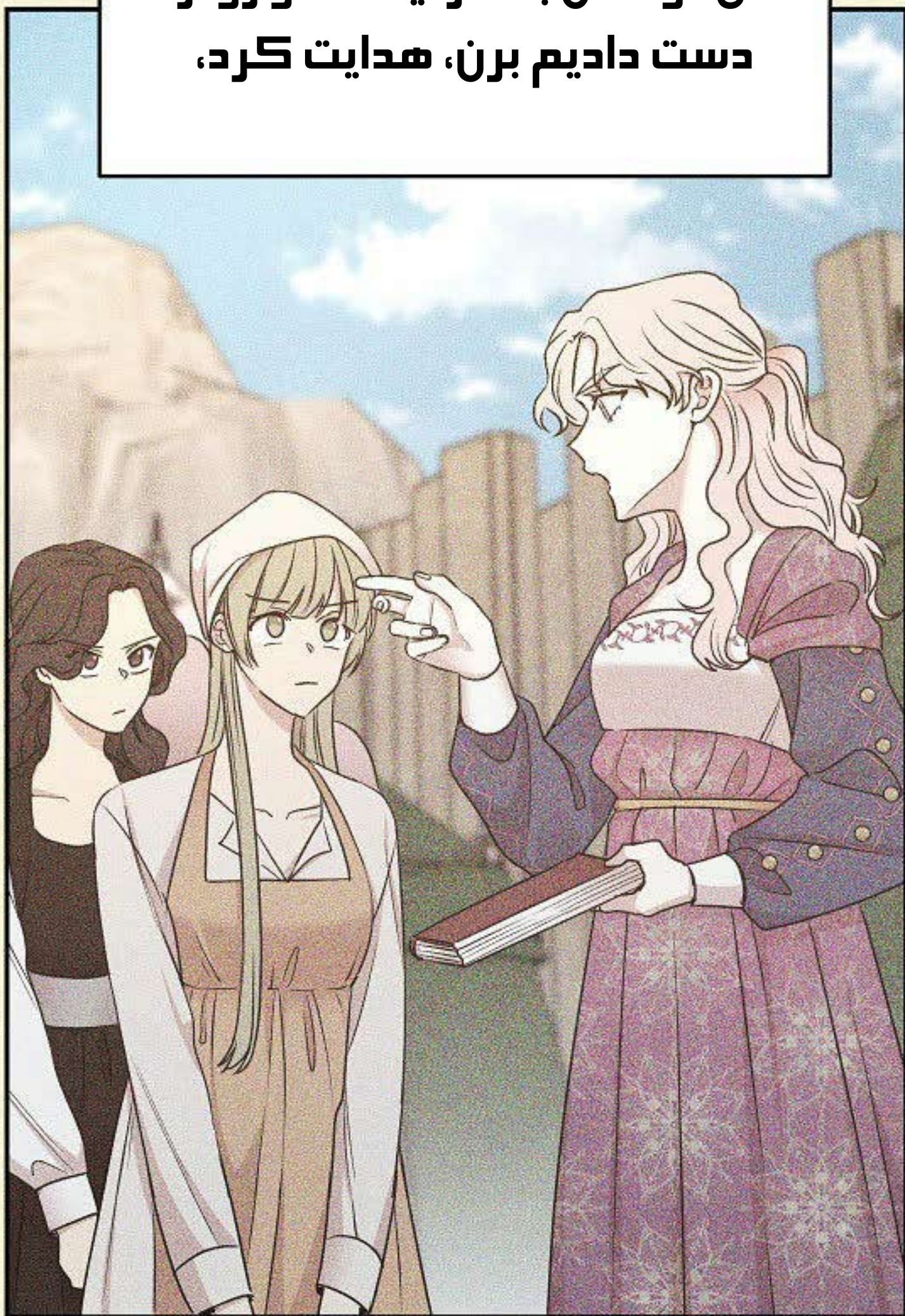




همه اینا رو
دیاثه انجام داد؟

دارم همینو
می گم.

**خودجوش زن‌هایی رو که
می‌خواستن بعد از اینکه تو رو از
دست دادیم برن، هدایت کرد،**



و نوشته‌های تو رو که
هیچ کس از شون سر نمی‌آورد
رو رمز گشایی کرد.



پزار پیپنم، من
مُط رمزی اِیو که فقط
مُخودم ارزش استفاده
می کردم، پهنش یاد
دادم.

نوشته هات
خیلی خفن!
هیر و گلیفه؟

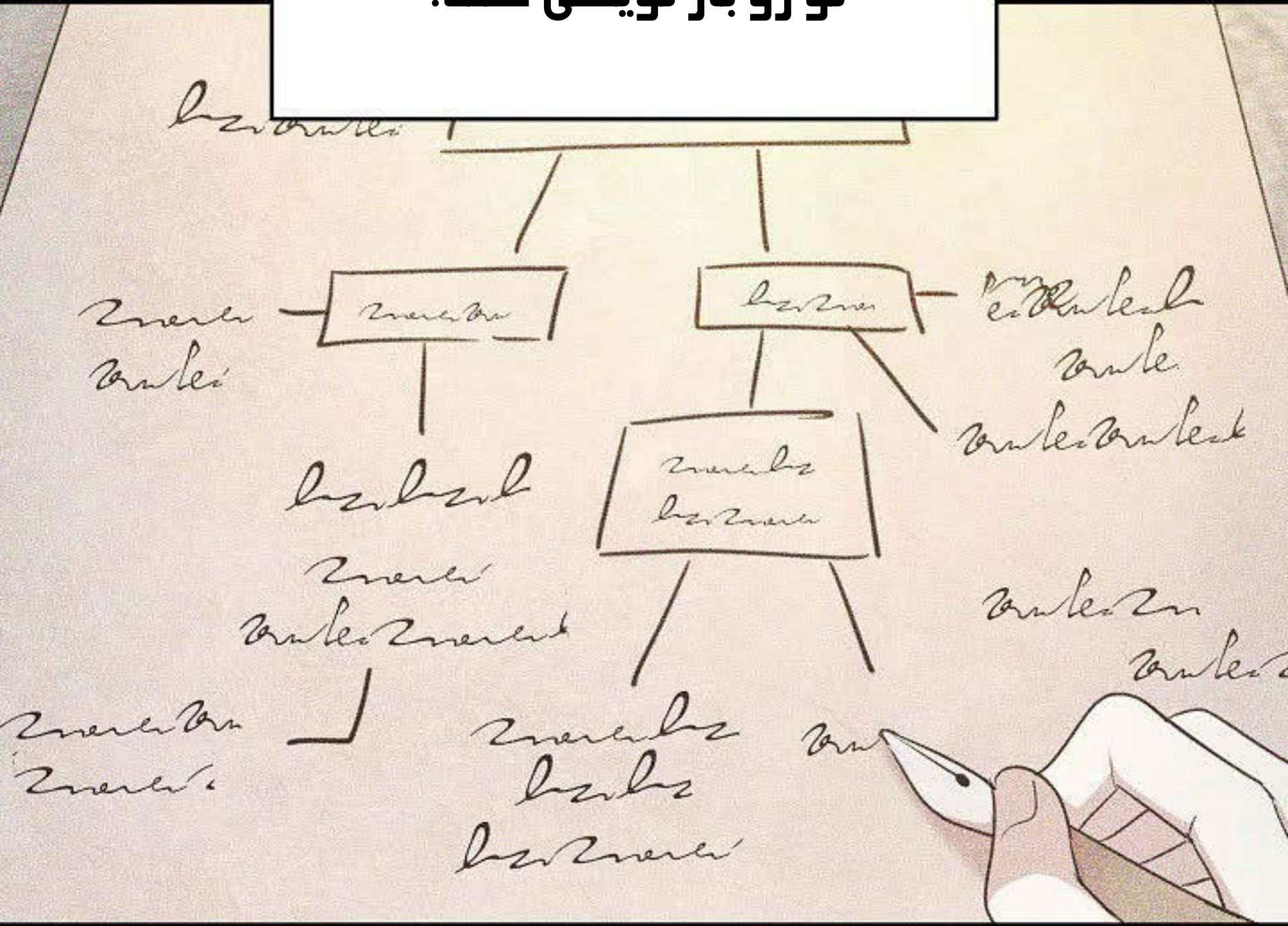
بیشتر نوشته هامو
با استفاده از نقاشی
نوشتتم.



مهم تر از همه،



می‌دونست چطوری "سیستم"
تورو باز نویسی کنه.



کار، یاد گرفتن،
همه اینا به یه سیستم نیاز
دارن تا بازدهی بیشتری
داشته باشن.



چهارچوب رو
به وسیله اشکال و
گراف‌ها تصور کن،
ولی جزئیات رو...



... می تونیست
خلاصه وار هرچی زیو
که یاد گرفتی مثل بلیل
برات بگه، ولی...



... می تونست نه
تنها ورودی اولیه رو
بلکه بازدهی رو هم
"طبقه بندی" کنه!

اون توی آنالیز آدما خوبه،
شاید چون مجبور بوده با یه
ظاهر دیگه زندگی کنه...

چرا قبلا انقدر زیاد
ازم متنفر بودی؟

خیلی واضح بود
که تو چند تا انگیزه
مخفی داشتی.

و یه جوری به
نظر میومد که انگار
توی کل دنیا تو تنها
کسی هستی که از همه
چیز سر در میاره~

و تونست از استعدادش برای
متقاعد کردن لردها استفاده
کنه تا ارتش‌هاشون رو جمع
کنن.



... اون دختر،

الان تمام هوش و
حواس فقط باید به من باشه،
باشه هههه؟



ممکنہ کہ...؟



To Be Continued



Story : KIM SUO

Art : jaradog

©DAONCOMICS



از شما برای خواندن کارمون
ممنونیم. لطفا **کپی نکنین** و بدون
ذکر منبع کار مارو جای نذارین.
شما میتونین با جوین شدن تو چنل
تلگرامون از ما **حمایت** کنید و کارهایه
جذاب دیگمون رو هم بخونین.

@IriSekai

